

# دوفصلنامه ویژه پژوهش‌های ادبی و متن‌شناختی

دوره جدید، سال سبت و کیم، شماره اول، بهار و تابستان ۱۴۰۲ (پیاپی ۷۲)

۷۲



تصحیح و توضیح مصرع‌های از داستان رستم و سهراب / سجّاد آیدنلو / ۵

اندر اوصاف فرهنگ کهن «قانون ادب» و تصحیح آن / گلپر نصری و هانیه دهقانی محمدآبادی / ۳۵

جست‌وجوی خطبه‌های توحیدی نهج‌البلاغه در «کتاب التوحید» ... / حنّانه سادات زهرائی و مهدی مجتهدی / ۶۷

آسیب‌شناسی پدیده «رویکرد» در پژوهش‌های هنری ایران / محمدرضا غیاثیان و میترا رضایی / ۹۱

نگاهی به لغزش‌ها و خطاهای موجود در «دانشنامه حکیم میسری» / اکبر حیدریان / ۱۰۹

نقش و اهمیت «مناقب الاصفیاء» شاه شعیب فردوسی ... / محمدصادق خاتمی و نجف جوکار / ۱۲۷

پژوهشی درباره کهن‌ترین اثر در شرح شواهد شعری «الکشاف» / سجّاد حبیبی و هادی نصیری / ۱۴۹

جُستاری در هویت «شیخ بحر پارس» / سید محمد مهدی جعفری طبری شیاده / ۱۷۳

ووستنفلد و «مقتل الحسین» منسوب به ابومخنف / انیس وحید / ۱۸۱

بازتاب بیماری‌های همه‌گیر در متون تاریخی و ادبی شبه‌قاره هند / فاطمه فیاض / ۲۰۱



شماره استاندارد بین‌المللی  
۱۵۶۱-۹۴۰۰

# آینه میراث

## دوفصل‌نامه علمی ویژه پژوهش‌های ادبی و متن‌شناختی

دوره جدید، سال بیست‌ویکم، شماره اول، بهار و تابستان ۱۴۰۲ (پیاپی ۷۲)  
دارای مجوز علمی - پژوهشی به استناد نامه ۳/۱۸/۴۴۱۴۶ مورخ ۳/۳/۰۸ مورخ ۱۳۹۵/۰۳/۰۸  
از وزارت علوم، تحقیقات و فناوری

صاحب امتیاز: مؤسسه پژوهشی میراث مکتوب  
مدیر مسئول: اکبر ایرانی  
سرمدیر: مجدالدین کیوانی  
مدیر داخلی: یونس تسلیمی پاک

### هیئت تحریریه

محمدعلی آذرشب (استاد دانشگاه تهران)، نجفقلی حبیبی (دانشیار دانشگاه تهران)، اصغر دادبه (استاد دانشگاه علامه طباطبائی)، علی رواقی (استاد دانشگاه تهران)، علی‌اشرف صادقی (استاد دانشگاه تهران)، حامد صدقی (استاد دانشگاه خوارزمی)، منصور صفت‌گل (استاد دانشگاه تهران)، محمود عابدی (استاد دانشگاه خوارزمی)، حبیب‌الله عظیمی (استادیار پژوهشی کتابخانه ملی)

### مشاوران علمی

سیدعلی آل‌داود، پرویز اذکابی، محمود امیدسالار (آمریکا)، اکبر ثبوت، جمیل رجب (کانادا)، هاشم رجب‌زاده (ژاپن)، محمد روشن، فرانسیس ریشار (فرانسه)، پاول لوفت (انگلستان)، عارف نوشاهی (پاکستان)، یان یوست ویتکام (هلند)

### صفحه‌آرا: محمود خانی

چاپ: میراث

\* این مجله در پایگاه مجلات تخصصی نورمگز ([www.noormags.ir](http://www.noormags.ir))، بانک اطلاعات نشریات کشور ([www.magiran.ir](http://www.magiran.ir))، پایگاه اطلاع‌رسانی پارسا ([www.islamicdatabank.com](http://www.islamicdatabank.com))، پایگاه مرکز منطقه‌ای اطلاع‌رسانی علوم و فناوری ([www.ricet.ac.ir](http://www.ricet.ac.ir))، و پایگاه استنادی علوم جهان اسلام ([www.isc.gov.ir](http://www.isc.gov.ir)) نمایه می‌شود.

نشانی: تهران، خیابان انقلاب اسلامی، بین دانشگاه و ابوریحان، ساختمان فروردین، شماره ۱۱۸۲، طبقه ۲، واحد ۹

شناسه پستی: ۱۳۱۵۶۹۳۵۱۹

تلفن: ۶۶۴۹۰۶۱۲، دورنگار: ۶۶۴۰۶۲۵۸

[www.mirasmaktoob.ir](http://www.mirasmaktoob.ir)

سامانه ارسال مقالات: [www.am-journal.ir](http://www.am-journal.ir)

ایمیل نشریه: [ayenemiras@mirasmaktoob.ir](mailto:ayenemiras@mirasmaktoob.ir)

بها: ۷۰۰۰۰ تومان

## فهرست

- تصحیح و توضیح مصرعی از داستان رستم و سهراب/ سجّاد آیدیلو ..... ۵
- اندر اوصاف فرهنگ کهن «قانون ادب» و تصحیح آن/ گلبر نصری و هانیه دهقانی محمدآبادی ..... ۳۵
- جست‌وجوی خطبه‌های توحیدی نهج‌البلاغه در «کتاب التوحید»... / حنّانه سادات زهرانی و مهدی مجتهدی ..... ۶۷
- آسیب‌شناسی پدیده «رویکرد» در پژوهش‌های هنری ایران/ محمدرضا غیاثیان و میترا رضایی ..... ۹۱
- نگاهی به لغزش‌ها و خطاهای موجود در «دانشنامه حکیم میسرّی»/ اکبر حیدریان ..... ۱۰۹
- نقش و اهمیت «مناقب الاصفیاء» شاه شعیب فردوسی... / محمدصادق خاتمی و نجف جوکار ..... ۱۲۷
- پژوهشی درباره کهن‌ترین اثر در شرح شواهد شعری «الکشاف»/ سجّاد حبیبی و هادی نصیری ..... ۱۴۹
- جستاری در هویت «شیخ بحر پارس»/ سید محمد مهدی جعفری طبری شیاده ..... ۱۷۳
- ووستنفلد و «مقتل الحسین» منسوب به ابو مخنف/ انیس وحید ..... ۱۸۱
- بازتاب بیماری‌های همه‌گیر در متون تاریخی و ادبی شبه‌قاره هند/ فاطمه فیاض ..... ۲۰۱
- چکیده انگلیسی/ مجدالدین کیوانی ..... 3

## نقش و اهمیت «مناقب الاصفیاء» شاه شعیب فردوسی در شناخت طریقه کبرویه فردوسیه

محمدصادق خاتمی\*

نجف جوکار\*\*

### چکیده

یکی از موارد کمترشناخته شده از طریقه کبرویه فردوسیه، تذکره‌ای صوفیانه از شاه شعیب فردوسی (د. پس از ۸۴۴ق) به نام مناقب الاصفیاء (پایان تألیف: پس از ۸۴۴ق) است که در سال ۱۳۱۳ق به شیوه چاپ سنگی در کلکته منتشر شده است. مناقب الاصفیاء از وجوه مختلف دارای اهمیت است و اندیشه‌های شرف‌الدین منیری (د. ۷۸۲ق)، معروف‌ترین شیخ طریقه کبرویه فردوسیه، و نیز مرام‌نامه این طریقه و تعلیمات مشایخ فردوسی را در این اثر می‌توان باز یافت. نگارندگان در مقاله حاضر، سال درگذشت شیخ شعیب و نیز سال‌های تألیف و پایان نگارش مناقب الاصفیاء را بررسی کرده‌اند و به نتایج روشنی دست یافته‌اند. همچنین، ضمن معرفی کامل مناقب الاصفیاء، اهمیت آن را در شناخت بیشتر و بهتر طریقه کبرویه فردوسیه و شرف‌الدین منیری نشان داده‌اند.

**کلیدواژه‌ها:** تصوف در هند، مناقب الاصفیاء، شاه شعیب فردوسی، طریقه کبرویه فردوسیه

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۳/۷ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۵/۱۶

\* پژوهشگر پسادکتری زبان و ادبیات فارسی دانشگاه شیراز / m.s.khatami92@gmail.com

\*\* استاد زبان و ادبیات فارسی دانشگاه شیراز (نویسنده مسئول) / n.jowkar@yahoo.com

## ۱. مقدمه

نگارش تذکره‌های صوفیه در ایران و شبه‌قاره به‌عنوان یک نوع ادبی رواج بسیار داشته، چنان‌که در شبه‌قاره، از سده هفتم تا دهم هجری، به موازات تاریخ‌نگاری دنبال می‌شده است (نک. شریفی، ۱۳۹۵: ۴/۴۰۴). رواج تذکره‌نویسی و ذکر احوال مشایخ صوفیه شبه‌قاره تا بدان‌جاست که محققان «تذکره‌ها و کتب مناقب» را یکی از گونه‌های چهارگانه آثار صوفیان شبه‌قاره دانسته‌اند (نک. همانجا).

یکی از نویسندگان جریان تصوف در حوزه شبه‌قاره، شاه‌شعوب فردوسی، از مشایخ طریقه کبرویه فردوسیه در بهار هند است، که تذکره صوفیانه او به فارسی با نام مناقب الاصفیاء<sup>۱</sup>، از جمله آثار ادبیات صوفیانه شبه‌قاره در سده هشتم و نهم هجری است. این مقاله بر آن است تا ضمن معرفی مناقب الاصفیاء، اهمیت آن را در شناخت بیشتر و بهتر طریقه کبرویه فردوسیه و به‌ویژه شرف‌الدین منیری نشان دهد.

مسئله کانونی این پژوهش، واکاوی نقش و اهمیت مناقب الاصفیاء در شناخت طریقه کبرویه فردوسیه است که برای بررسی علمی آرا و افکار مشایخ این طریقه و مشخص کردن آبشخورهای فکری و تأثیرات آن‌ها، اهمیت بسیاری دارد. همچنین در این مقاله به این دو پرسش پاسخ داده شده است: ۱. نقش و اهمیت مناقب الاصفیاء در شناخت طریقه کبرویه فردوسیه چیست؟ و ۲. هدف اصلی شاه‌شعوب از تألیف مناقب الاصفیاء چه بوده است؟

## ۲. پیشینه تحقیق

در باره موضوع این مقاله، فضل‌تقدم از آن محقق پاکستانی، سید مطیع‌الامام است که در کتاب محققانه خود با عنوان شیخ شرف‌الدین احمد بن یحیی منیری و سهم او در نشر متصوفانه فارسی به‌اجمال از مناقب الاصفیاء سخن گفته است (مطیع‌الامام،

---

۱. گفتنی است که نگارندگان، تصحیح مناقب الاصفیاء و تحقیق درباره آن را بر اساس چاپ عکسی کتابخانه بلخیه فتوحیه پتنا (مورخ ۱۱۴۳ق) و چاپ سنگی کلکته (مورخ ۱۳۱۳ق) در قالب طرح پسادکتری در دست دارند و به‌زودی متنی منقح از آن عرضه خواهند کرد.

۱۳۷۲ش/۱۹۹۳م). البتّه در مواردی، مانند «زادسال و سال درگذشت شیخ شعبه» (نک. همان: ۱۵) «زمان تألیف» مناقب الاصفیاء (نک. همانجا) و نیز این‌که مناقب الاصفیاء مشتمل بر ترجمه‌های حال صدویست تن از مشایخ فردوسی است (نک. همانجا)، سهوها و لغزش‌هایی به کتاب ایشان راه یافته است.

احمد عاطف محمود (۱۳۸۵) نیز در پایان‌نامه کارشناسی ارشد خود به بررسی و تصحیح انتقادی مناقب الاصفیاء بر اساس چاپ سنگی کلکته (مورخ ۱۳۱۳ق) پرداخته است، گرچه نسخه کتابخانه بلخیه فتوحیه پتنا (مورخ ۱۱۴۳ق) را که از نظر قدمت و صحت، در درجه اول اعتبار است و با چاپ سنگی کلکته اختلافات مهمی در ضبط واژه‌ها و عبارات دارد، در اختیار نداشته است. افزون بر این، در پژوهش عاطف محمود ابهامات و گاه اشتباهاتی مانند انتساب شاه‌شعبه به «مکتب سهروردیه شعبیه» (نک. همان: ۱)، ذکر درگذشت شیخ منیری در سال ۷۷۳ق (نک. همان: ۳۲) و... راه یافته، که در این مقاله به مهم‌ترین آن‌ها اشاره شده است.

شهسواری (۱۳۸۶) نیز در نوشتاری با عنوان «مناقب الاصفیاء: تذکره‌ای ارجمند پیرامون مشایخ سهروردیه هند»، پس از شرح مختصری درباره احوال و آثار شاه‌شعبه، به بررسی و تحلیل مناقب الاصفیاء، هم از جنبه ادبی و هم به لحاظ تحلیل محتوا و ارائه نمونه‌هایی از این کتاب، پرداخته است. البتّه در مواردی، مانند «سال درگذشت» شیخ شعبه (نک. همان: ۲۵-۲۶)، «زمان نگارش» مناقب الاصفیاء (نک. همان: ۲۶) و نیز انتساب شاه‌شعبه به طریقه سهروردیه فردوسی (نک. همان: ۲۳-۲۴)، سهوایی به مقاله ایشان راه یافته است. او همچنین شیخ حسین بلخی<sup>۱</sup> (د. ۸۴۴ق) را خلیفه شرف‌الدین منیری دانسته (نک. همان: ۲۷)، حال آنکه می‌دانیم مظفر شمس بلخی<sup>۲</sup> (د. ۸۰۳ق) خلیفه شیخ منیری بوده و حسین بلخی، پس از درگذشت مظفر شمس، بر مسند ارشاد او نشسته است (نک. مطیع‌الامام، ۱۳۷۲ش/۱۹۹۳م: ۱۲۶-۱۲۸).

۱. برای آگاهی بیشتر درباره او، نک. گروه دانشنامه، ۱۳۹۲: ۹۲/۳.

۲. برای آگاهی بیشتر درباره او، نک. لعلی بدخشی، ۱۳۷۶: ۹۴۵-۹۵۵؛ صفا، ۱۳۶۹: ۳ (بخش دوم)/۱۰۵۶-۱۰۵۸؛ مطیع‌الامام، ۱۳۷۲ش/۱۹۹۳م: ۱۲۶-۱۲۹.

افزون بر این‌ها، در سال ۱۳۹۰ش/۲۰۱۱م یک چاپ عکسی از روی کهن‌ترین نسخه مناقب الاصفیاء (مورخ ۱۱۴۳ ق.) به کوشش سید شاه شمیم‌الدین احمد منعمی منتشر شد. این نسخه که به شماره ۶۴۲۲ در کتابخانه بلخیه فتوحیه پتنا محفوظ است، در تاریخ ۲۱ صفر ۱۱۴۳ ق کتابت شده است. با آنکه در ترقیمه این نسخه به وضوح «سنه ۱۱۴۳ یکهزار و یکصد و چهل و سه هجری» آمده، روی جلد چاپ عکسی، به اشتباه «کتابت ۱۱۳۳ ق» نوشته شده است.

نوشاهی (۱۳۹۱: ۷۵۱/۱) نیز از مناقب الاصفیاء یاد کرده، گرچه به گفته او، شاه شعیب ترجمه حال صدوبیست نفر از مشایخ فردوسیه را آورده، حال آن‌که در چاپ عکسی پتینه و نیز چاپ سنگی مناقب الاصفیاء (مورخ ۱۳۱۳ ق) از بیست و سه تن سخن رفته است.

در دانشنامه زبان و ادب فارسی در شبه‌قاره نیز با تکیه بر منابع بسیار، شرح احوال این عارف آمده است (نک. بهنامی/ گروه دانشنامه، ۱۳۹۵: ۱۸۱/۴-۱۸۲). در این مدخل آمده که مناقب الاصفیاء بین سال‌های ۷۸۰-۸۱۰ ق نگارش یافته (نک. همان: ۱۸۲)، حال آن‌که به گواهی برخی از منابع مناقب الاصفیاء که در ادامه به آن‌ها اشاره خواهد شد، تألیف این اثر در ۸۴۴ ق یا اندکی پس از آن پایان یافته است. افزون بر این، با آن‌که در این مدخل، شاه شعیب به طریقه فردوسیه منسوب شده (نک. همان: ۱۸۱-۱۸۲)، در جایی آمده که در مناقب الاصفیاء «اطلاعات ارزشمندی نیز درباره روابط مشایخ سهروردیه فردوسیه هند با اهل سیاست آمده است» (همان: ۱۸۲)، حال آن‌که می‌دانیم طریقه فردوسیه، که به گواهی منابع منسوب به نجم‌الدین کبری (د. ۶۱۸ ق) است، در کنار طریقه همدانیه، یکی از دو شاخه جدا شده از سلسله کبرویه است که به وسیله بدرالدین سمرقندی (د. ۷۱۶ ق) در شبه‌قاره انتشار یافته است (برای آگاهی بیشتر در این زمینه، نک. ساکت و خاتمی، ۱۴۰۰: بیست - بیست و دو).

گذشته از این پژوهش‌های ارزنده و سودمند که در نوع خود درخور اهمیت هستند، دیگر منابعی که از شیخ شعیب سخن گفته‌اند، تنها به شرح احوال او اکتفا کرده و گاه برخی از منابع به نقدی سطحی از مناقب الاصفیاء او پرداخته‌اند.



### ۳. نسخه خطی و چاپ عکسی «مناقب الاصفیاء»

بنابر آنچه می‌دانیم، تاکنون جدای از نسخه کتابخانه بلخیه فتوحیه پتنا (مورخ ۱۱۴۳ق)، نسخه دیگری از مناقب الاصفیاء شناسایی نشده است، چنان‌که نویسنده کتاب شیخ شرف‌الدین احمد بن یحیی منیری نیز که دو بار به هندوستان سفر کرده و از کتابخانه‌های شخصی و ملی در شهرهای پتنه و بهار و روستای منیر بهره جسته و از بیست و چهار نسخه خطی، مشتمل بر ۱۳۵۰ برگ از تألیفات و ملفوظات شیخ منیری عکس‌برداری کرده (نک. مطیع‌الامام، ۱۳۷۲ش/۱۹۹۳م: ۲)، در کتاب خود، جز نسخه مذکور، از وجود دست‌نویسی دیگر از این اثر یاد نکرده است (نک. همان: ۲۷۷). با این همه، بی‌تردید نسخه/ نسخه‌هایی از این اثر تا سال ۱۳۱۳ق، که چاپ سنگی کتاب در کلکته منتشر شده، وجود داشته است.

این نسخه که در کتابخانه بلخیه فتوحیه پتنا نگهداری می‌شود، در ۲۱ صفر ۱۱۴۳ هجری و در ۱۷۱ برگ ۱۳ سطری، بدون جدول‌بندی و هیچ‌گونه آرایش ویژه‌ای، کتابت شده است. عنوان‌های هر بخش به شنگرف است و در بیشتر موارد، بالای عبارات عربی هم به شنگرف خط کشیده شده است. دست‌نویس مذکور که به خط معمولی نستعلیق به دست «مانکچند» کتابت شده، کامل، و از نظر ترتیب صفحات، مرتب و دارای رکابه است و با «بسم الله الرحمن الرحيم الحمد لله الذي ملك نفوس العابدين فصرفها في خدمته...»، آغاز و به «تمام شد نسخه مناقب الاصفیاء... مرقوم به خط احقر العباد مستمند، مانکچند، اتمام یافت، تم تم تم»، پایان می‌یابد. آثار کهنگی خاصی در ضبط‌های این نسخه دیده نمی‌شود. حرف‌های «پ»، «چ» و «ژ» به صورت امروزی و «گ» به صورت «ک» نوشته شده و «کژدم» نیز همواره با یک نقطه ضبط شده است. «آ» عموماً با علامت مد کتابت شده و قاعده دال و ذال در نسخه رعایت نشده است. حد فاصل مصراع‌ها نیز با علامتی به شنگرف به صورت «مشخص و جدا شده است».

همچنین در این نسخه، افزون بر برخی هامش‌ها به خط متن، نسخه‌بدل‌های قابل تأملی در هامش - گاه با علامت «نسخه» و گاهی بدون علامت - آمده که نشان می‌دهد کاتب این



دست‌نویس، به‌غیر از نسخه‌ی اصل، به نسخه/ نسخه‌های دیگری نیز مراجعه می‌کرده و از این رهگذر، امکان آگاهی از روایت نسخه/ نسخه‌های دیگری را نیز برای ما فراهم کرده است. برای نمونه، در جایی برای کلمه «پس»، در عبارت «وفات او در پس هارون الرشید بود»، در هامش آمده است: «نسخه در حبس» (فردوسی، ۱۳۹۰ ش/۲۰۱۱ م: ۶۱ پ).

از آنجا که تا به امروز از مناقب الاصفیاء نسخه/ نسخه‌های دیگری شناسایی نشده، دست‌نویس حاضر بسیار مغتنم است. این نسخه در سال ۱۳۹۰ ش/۲۰۱۱ م به کوشش سید شاه شمیم‌الدین احمد منعمی و از سوی مرکز تحقیقات فارسی رازنی فرهنگی سفارت جمهوری اسلامی ایران در دهلی نو به‌صورت عکسی و با کیفیتی نه‌چندان درخور، به‌صورت سیاه و سفید منتشر شده است. مقدمه کوتاه سه صفحه‌ای به فارسی در ابتدای این چاپ آمده که در واقع ترجمه و گزینش بخشی از مقدمه‌ای است که سید شاه شمیم‌الدین احمد منعمی، پس از این مقدمه، به زبان اردو بر این اثر نوشته است.

#### ۴. چاپ سنگی «مناقب الاصفیاء»

بر پایه اطلاع نگارندگان، مناقب الاصفیاء تنها یک بار در قالب کتاب به‌شیوه چاپ سنگی در شبه‌قاره منتشر شده است.<sup>۱</sup> این چاپ با نام مناقب الاصفیاء در یک جلد «به فرمایش مولوی سید اقبال ... (کلمه‌ای ناخوانا؛ ظ: علی صاحب) ... (دو کلمه ناخوانا) به اهتمام فقیر محمد بشیر» در «مطبع نور الآفاق کلکته» به «تاریخ پنجم ماه صفر سنه ۱۳۱۳ هـ» و به قطع وزیری منتشر شده است (نک. مشار، ۱۳۴۱: ۴۲۸/۳). این چاپ صدوپنجاه‌دو صفحه‌ای به‌دست کاتبی با نام «محمد هدایت‌الله مظفرپوری» به خط نستعلیق نوشته شده و در پایان نیز قطعه تاریخ طبع از «محمد بشیر» آمده است.

در این چاپ سنگی نسبتاً مغلوط که ظاهراً از روی نسخه‌ای به‌نسبت کهن و معتبر کتابت شده، دو گونه هامش آمده است: نخست، ترجمه تحت‌اللفظی آیات و مآثورات و

۱. برای آگاهی بیشتر، نک. مشار، ۱۳۴۱: ۴۲۷/۳-۴۲۸؛ نوشاهی، ۱۳۹۱: ۷۵۱/۱.

ابیات عربی متن که با نشانه «مولوی اقبال علی مدّ ظلّه» در پایان یک هاشم و در برخی از موارد با نشانه «ترجمه» در آغاز و نیز نشانه «ترجمه از مولوی اقبال علی مدّ ظلّه» در پایان یک هاشم آمده<sup>۱</sup>، افزون بر این که گاه تنها نشانه «۱۲ (بحر)» در پایان برخی از هاشم‌ها نوشته شده است.<sup>۲</sup> دوم، هاشم‌هایی که در توضیح یک واژه آمده است که به گره‌گشایی از برخی از عبارات متن کمک بسیار می‌کند. برای نمونه، هاشم «لت به معنی کوفت و آزار»<sup>۱۲</sup>، در توضیح واژه «لت» در عبارت زیر آمده است:

و آن نه آنچنان باشد که خلق می‌گوید که لت پیر رسید و لت پیر چنین و چنین است  
(فردوسی، ۱۳۱۳ق/۱۸۹۵م: ۵).

افزون بر این، در صفحات پایانی متن که به ذکر مظفر شمس اختصاص دارد، یک «غزل در شأن مخدوم جهان...» در هاشم آمده که مطلع آن چنین است:

هم‌شکل نبی طلعت مخدوم بهاری آینه حق صورت مخدوم بهاری...  
(همان: ۱۵۰)

چنان‌که در صفحه بعد نیز یک غزل «در شأن حضرت امام مظفر بلخی...» به این مطلع آمده است:

جان و دل قربان حضرت شمس‌البلخ دین و ایمان رهن جام حضرت شمس‌البلخ...  
(همان: ۱۵۱)

نویسندگان با مقایسه این چاپ با نسخه کتابخانه بلخیه فتوحیه پتنا (مورخ ۱۱۴۳ق) دریافته‌اند که چاپ حاضر به این دست‌نویس شباهت بسیار دارد؛ هرچند در بیشتر موارد از افتادگی‌ها، اشتباهات و به‌ویژه بی‌دقتی‌های کاتب خالی نیست و گویا کاتب در چاپ سنگی، تصرفات بسیار کرده است. با این همه، به دلیل داشتن برخی ضبط‌های تازه در بعضی از موارد می‌تواند راهگشا باشد.

۱. برای نمونه، نک. فردوسی، ۱۳۱۳ق/۱۸۹۵م: ۲-۳.

۲. برای نمونه، نک. فردوسی، ۱۳۱۳ق/۱۸۹۵م: ۱۲۶.

۳. پس از این واژه، کلمه‌ای (ظ: نام) محو شده است.

## ۵. بحث و بررسی

### ۱-۵. مختصری درباره شرح احوال شاه شعیب

شعیب بن جلال بن عبدالعزیز بن تاج منیری در منیر هندوستان (روستایی در ایالت بهار کنونی، واقع در شرق هند) و در خاندانی اهل علم و عرفان که نسبی هاشمی داشتند، زاده شد. از نیاکانش امام محمد، ملقب به تاج فقیه، است که از جدّه به منیر کوچید، و از خاندانش، شرف‌الدین منیری، قابل ذکر است. مادر شاه شعیب، بی‌بی سعیده، زنی فاضل و حافظ قرآن بود. برخی تاریخ ولادت شاه شعیب را ۶۸۸ ق گفته‌اند (نک. مطیع الامام، ۱۳۷۲ ش/۱۹۹۳ م: ۱۵؛ عاطف محمود، ۱۳۸۵: ۳۶؛ شهبواری، ۱۳۸۶: ۲۵)، اما این تاریخ خطاست، زیرا شاه شعیب در مناقب الاصفیاء در حق شیخ خود، حسین بلخی<sup>۱</sup> (۷۶۰-۸۴۴ ق)، عبارت دعایی «متّع الله المؤمنین بطول بقائه و آدم علیهم نعمة لقائه» را به کار برده است (نک. فردوسی، ۱۳۱۳ ق/۱۸۹۵ م: ۳) و می‌دانیم که حسین بلخی در ۸۰۳ ق بر مسند خلافت مظفر شمس بلخی (د. ۸۰۳ ق)<sup>۲</sup> نشسته است.

شاه شعیب در پنج سالگی پدرش را از دست داد و از این رو، نیای مادری‌اش، شاه ابوبکر، تربیت و پرورش او را بر عهده گرفت. او در جوانی ترک خانمان کرد و به ریاضت‌های سخت پرداخت و نخست دست ارادت به شرف‌الدین منیری، از عموزادگان خود داد (نک. صاحب فردوسی، ۱۳۰۱ ق/۱۸۸۴ م: ۲۱۶) و سپس در حلقه مریدان حسین بلخی درآمد. شاه شعیب بیشتر عمر را در انزوای از خلق و در جنگل‌های اطراف شیخپوره گذراند. مزار وی در خانقاهش در شیخپوره بهار است. او مریدان بسیار تربیت کرد و برخی از اشعار فارسی مریدانش در مدح او در دست است (نک. بهنامی، ۱۳۹۵: ۱۸۱/۴-۱۸۲؛ مطیع الامام، ۱۳۷۲ ش/۱۹۹۳ م: ۱۵).

۱. برای آگاهی بیشتر درباره او، نک. لعلی بدخشی، ۱۳۷۶: ۹۵۶-۹۶۳.

۲. به گفته ذبیح‌الله صفا (۱۳۶۹: ۳ (بخش دوم)/۱۰۵۷؛ همو، ۱۳۷۸: ۲۹۱/۳)، مظفر شمس، بنا بر اغلب مآخذ، در سال ۷۸۸ ق و یا به گفته برخی از منابع، در سال ۸۰۳ ق درگذشته است.

## ۲-۵. درنگی بر سال فوت شیخ شعیب

در منابع معاصر، سال درگذشت شیخ شعیب به شش صورت آمده است: به گفته حسنی (۱۴۰۸ق/۱۹۸۸م: ۶۲/۳)، شاه شعیب در ۱۵ ربیع الثانی ۸۰۲ق درگذشته است. مطیع الامام (۱۳۷۲ش/۱۹۹۳م: ۱۵)، منعمی (۱۳۹۰ش/۲۰۱۱م: ۸) و رضوی برق (۱۳۹۳ش/۲۰۱۵م: ۹۹) برآند که شیخ شعیب در ۸۲۴ق فوت کرده است. به باور ربیعان (۱۳۸۰: ۴) (بخش یکم/۷۴۵) شاه شعیب در ۸۱۴ق درگذشته است. عاطف محمود (۱۳۸۵: ۳۸) نیز با استناد به منابع نه چندان معتبر، فوت شیخ شعیب را در ربیع الثانی ۸۲۳ق و در سن ۱۳۵ سالگی دانسته است. به باور برخی دیگر مانند شهسواری (۱۳۸۶: ۲۵-۲۶) شاه شعیب در سال ۸۳۴ق درگذشته، چنان که مطیع الامام (۱۳۷۲ش/۱۹۹۳م: ۱۶۱) در جایی از کتاب خود به این سال هم اشاره کرده است. در نهایت، برخی از محققان نیز فوت شیخ شعیب را در ۸۲۰ق دانسته‌اند (نک. بهنامی، ۱۳۹۵: ۱۸۱/۴). درباره بی اعتبار بودن این سال‌ها، می‌توان به دو دلیل زیر اشاره کرد:

۱. شاه شعیب از گنج لایحفی، ملفوظ حسین بلخی (د. ۸۴۴ق) که پس از وفات او توسط مریدش، نعمت‌الله، ترتیب یافته (نک. مطیع الامام، ۱۳۷۲ش/۱۹۹۳م: ۱۳۱)، یک بار با ذکر نام اثر و مؤلف آن، مطلبی را در مناقب الاصفیاء آورده (نک. فردوسی، ۱۳۱۳ق/۱۸۹۵م: ۹۷)، افزون بر این که یک بار دیگر نیز از «ملفوظ شیخ الاسلام شیخ حسین معز بلخی» عباراتی را در کتاب خود آورده است (نک. همان: ۱۳۶)، که احتمالاً از گنج لایحفی انتخاب شده باشد.

۲. همچنین می‌توان به رساله‌ای کوتاه در علم تصوف و سلوک به نام لطیف المعانی / لطائف المعانی نوشته شیخ حسن بن شیخ حسین (د. ۸۵۵ق)، به عنوان دلیلی دیگر اشاره کرد (نک. مطیع الامام، ۱۳۷۲ش/۱۹۹۳م: ۱۳۲)، زیرا شیخ شعیب مطلبی از این کتاب را در مناقب الاصفیاء آورده که مربوط به درجات و ترقیات سالکان و مراتب پنج‌گانه آن درجات است (نک. فردوسی، ۱۳۱۳ق/۱۸۹۵م: ۶۱).

فی الجمله باید گفت بر پایه گفته منعمی (۱۳۹۰ش/۲۰۱۱م: ۸) که تاریخ تألیف

لطیف‌المعانی / لطائف‌المعانی را در سال ۸۴۴ق دانسته، پس شاه‌شعیب یا در سال ۸۴۴ق که سال فوت شیخ او، حسین بلخی است، درگذشته، یا اندکی پس از آن، زیرا ترجمه حسین بلخی در مناقب‌الاصفیاء نیامده است.

#### ۳-۵. مؤلف «مناقب‌الاصفیاء»

تذکره‌ای صوفیانه به فارسی با نام مناقب‌الاصفیاء<sup>۱</sup> در دست است که مؤلف در آن هیچ‌جا به نام خود اشاره‌ای نکرده، اما این کتاب به گفته مؤلف نزهة الخواطر که در ۱۳۴۱ق درگذشته (نک. حسنی، ۱۴۰۸ق/۱۹۸۸م: ۶۲/۳) و نیز صاحبان دو کتاب وسیله شرف و ذریعه دولت (تألیف: ۱۳۱۱ق) و آثار منیر (تألیف: ۱۳۶۷ق)، از شاه‌شعیب فردوسی است (نک. مطیع‌الامام، ۱۳۷۲ش/۱۹۹۳م: ۱۵). همچنین می‌توان با استناد به انجامه دستنویس نسخه پتنا (مورخ ۱۱۴۳ق) شاه‌شعیب را مؤلف مناقب‌الاصفیاء دانست:

تمام شد نسخه مناقب‌الاصفیاء تصنیف زبده‌الاولیاء حضرت مخدوم شیخ‌شعیب... بن شیخ جلال منیری، ابن عم حضرت مخدوم جهان شیخ شرف‌الدین... حسب‌الفرموده شیخ محمد اسدالله صاحب، نواسه حضرت مخدوم شیخ‌شعیب (فردوسی، ۱۳۹۰ش/۲۰۱۱م: ۱۷۱پ).

#### ۴-۵. تاریخ دقیق تألیف کتاب

تاریخ تألیف مناقب‌الاصفیاء به درستی روشن نیست. در پژوهش‌های جدید، سال تألیف این اثر به سه صورت آمده است: برخی مانند مطیع‌الامام (۱۳۷۲ش/۱۹۹۳م: ۱۵) بر آنند که این کتاب پیش از ۸۲۴ق، یعنی تاریخ وفات شیخ‌شعیب، تألیف شده است. برخی دیگر مانند عاطف محمود (۱۳۸۵: ۴۴) و در پی او شماری از پژوهشگران، با توجه به این‌که شاه‌شعیب در مناقب‌الاصفیاء از شیخ خود، حسین بلخی - که در ۸۰۳ق در قید حیات بوده - یاد کرده است و نیز با استناد به برخی قرائن دیگر، مانند ذکر نام سعدی شیراز (د. ۶۹۴ق) و نقل شعر از او و عدم یادکرد از دانشمندان و بزرگانی که پس از ۸۰۰ هجری درگذشته‌اند،

۱. ربیعان (۱۳۸۰: ۴) (بخش یکم/۷۴۵) از این اثر سهواً با عنوان مناقب‌اصفیاء یاد کرده است.

تاریخ تألیف این اثر را میان سال‌های ۷۸۰ تا ۸۱۰ ق دانسته‌اند (نیز نک. بهنامی، ۱۳۹۵: ۱۸۲/۴). دیگرانی نیز گفته‌اند «تاریخ تألیف کتاب بایستی پیش از ۸۳۴ هجری (وفات مؤلف) باشد» (شهسواری، ۱۳۸۶: ۲۶).

درباره بی‌اعتبار بودن تواریخ یادشده، باید ابتدا به گفته منعمی (۱۳۹۰/ش/۲۰۱۱: ۸) اشاره کرد که معتقد است تألیف مناقب الاصفیاء از اواخر زندگی حسین بلخی (د. ۸۴۴ ق) آغاز شده و پس از درگذشت وی نیز ادامه داشته است، زیرا - همچنان‌که پیشتر گفته شد - شاه شعیب از گنج لایحفی، ملفوظ حسین بلخی، که پس از وفات او توسط مریدش، نعمت‌الله، ترتیب یافته (نک. مطیع‌الامام، ۱۳۷۲/ش/۱۹۹۳: ۱۳۱)، یک بار با ذکر نام اثر و نویسنده آن، مطلبی را در مناقب الاصفیاء آورده است (نک. فردوسی، ۱۳۱۳/ق/۱۸۹۵: ۹۷). همچنین شیخ شعیب از رساله لطیف المعانی / لطائف المعانی نوشته شیخ حسن بن شیخ حسین (د. ۸۵۵ ق) هم که به گفته منعمی (۱۳۹۰/ش/۲۰۱۱: ۸) در سال ۸۴۴ ق به قلم آمده، مطلبی را در مناقب الاصفیاء آورده است (نک. فردوسی، ۱۳۱۳/ق/۱۸۹۵: ۶۱). اما به باور نگارندگان این سطور، بر خلاف گفته منعمی (۱۳۹۰/ش/۲۰۱۱: ۸)، شاه شعیب تألیف مناقب الاصفیاء را نه از اواخر زندگی حسین بلخی (د. ۸۴۴ ق)، بلکه به احتمال بسیار، در سال ۸۰۳ ق که حسین بلخی بر مسند خلافت مظفر شمس بلخی (م: ۸۰۳ ق) نشست، یا اندکی پس از آن، آغاز کرده و احتمالاً آن را در سال ۸۴۴ ق یا کمی پس از آن به پایان برده است. البته احتمالی هم هست که با فوت شیخ شعیب، این تذکره نیز ناتمام مانده باشد، زیرا مناقب الاصفیاء با شرح حال مظفر بلخی به پایان رسیده و گویا فوت شاه شعیب در آن سال یا اندکی پس از آن، سبب شده است که گزارش احوال شیخ او، حسین بلخی (د. ۸۴۴ ق)، در این تذکره ثبت نشود.

#### ۵-۵. ساختار و محتوای کتاب

چنان‌که گفته شد، مناقب الاصفیاء مشتمل بر شرح احوال بیست‌وسه تن از اولیا و مشایخ کبروی فردوسی و نیز نمونه آثار و بخشی از اقوال و حکایات آنهاست، که با دیباچه‌ای از جامع آن، شاه شعیب فردوسی، در سبب گردآوری کتاب، آغاز شده و با ترجمه مظفر شمس

بلخی (د. ۸۰۳ق) پایان یافته است. شیخ شعیب در دیباچه کتاب، نسب‌نامه معنوی طریقه کبرویه فردوسی را بدین گونه آورده است:

ذکر محمّد مصطفی<sup>(ص)</sup>، ذکر امیرالمؤمنین علی، ذکر امیرالمؤمنین حسین، ذکر امام زین‌العابدین، ذکر امام محمّد باقر، ذکر امام جعفر صادق، ذکر امام موسی کاظم، ذکر امام علی رضا، ذکر خواجه معروف کرخی، ذکر خواجه سرّی سقطی، ذکر خواجه جنید بغدادی، ذکر خواجه ممشاد علو دینوری، ذکر خواجه احمد سیاه دینوری، ذکر خواجه محمّدبن عبدالله المعروف بعمویه، ذکر خواجه قاضی وجیه‌الدین ابوحفص، ذکر خواجه ضیاء‌الدین ابوالنجیب سهروردی، ذکر خواجه نجم‌الدین کبری، ذکر خواجه سیف‌الدین باخرزی، ذکر خواجه بدرالدین سمرقندی، ذکر خواجه رکن‌الدین فردوسی، ذکر خواجه نجیب‌الدین فردوسی، ذکر مخدوم جهان شیخ شرف‌الحق و الدّین، ذکر مخدوم مرحوم شیخ مظفر شمس بلخی (نک. فردوسی، ۱۳۱۳ق/۱۸۹۵م: ۹).

حجم تراجم این تذکره، به فراخور تعالیم مشایخ و تأثیر آموزه‌های عرفانی آن‌ها بر طریقه کبرویه فردوسی، متغیر است و برخی از آن‌ها مانند ذکر شرف‌الدین منیری (نک. فردوسی، ۱۳۱۳ق/۱۸۹۵م: ۱۲۷-۱۴۷) به دلیل اهمیت، حجم زیادی دارد و برخی دیگر مانند ذکر احمد سیاه دینوری (د. پس از ۳۴۰ق)، حجمش اندک است (نک. همان: ۸۴).

نظام مطالب مناقب الاصفیاء بدین گونه است که هر یک از بخش‌های بیست‌وسه‌گانه با عباراتی مسجع آغاز می‌شود و سپس نام شیخ و گاهی لقب و زادگاه و مصاحبان و اقران او می‌آید، و آنگاه عمده‌ترین قسمت هر باب، که شامل مجموعه‌ای از احوال شیخ، و نقل حکایات و اقوالی از اوست. بخش‌های پایانی هم غالباً به ذکر حالات و وصایای شیخ در لحظات واپسین حیات اختصاص یافته است.

شاه شعیب در تألیف مناقب الاصفیاء از منابعی بهره برده که از بسیاری از آن‌ها به نام یاد کرده است. شیوه ارجاع شاه شعیب نیز جالب است، زیرا او در بیشتر موارد ابتدا نام منبع مورد استفاده را ذکر کرده و پس از پایان نقل قول از آن کتاب، اتمام مطلب را به مخاطب گوشزد کرده است. برای نمونه:

در راحت القلوب، ملفوظ شیخ فریدالدین اجودهنی... آورده است که: شیخ سیف‌الدین



باخرزی را رسم بود که نماز شام بگزاردی<sup>۱</sup>، همانجا در خواب شدی، تا ثلثی شب بگذشتی، برخاستی. امام [و] مؤذن حاضر بودندی، نماز خفتن بگزاردی و بیدار بودی تا صبح. عمر او همچین بگذشت. تا اینجا سخن راحت القلوب بود (نک. فردوسی، ۱۳۱۳/ق/۱۸۹۵م: ۱۱۶).

مؤلف مناقب الاصفیاء، حیات شرف‌الدین منیری و خلیفه او، مظفر شمس بلخی را دریافته و کتاب را به نام آن دو و ذکر مناقب مشایخ این طریقه تألیف کرده است. افزون بر این، مؤلف در مطاوی این تذکره به شرح برخی از سخنان مشایخ اهتمام ورزیده و مسائل علمی و پیچیده تصوف را با زبان ساده و با عباراتی متناسب با اشخاص متوسط شرح داده و آنجا که موضوعی را طرح کرده، پس از ذکر اقوال و آرای مختلف، به نقد و رد یا اثبات آن پرداخته است. وسعت اطلاعات شیخ شعیب، از حدیث تا عرفان و استفاده بسیار او از آیات، احادیث و اشعار سخنوران ایران و شبه‌قاره، به همراه قدرت بیان و استدلال در مطاوی این تذکره به چشم می‌خورد. همچنین، در برخی موارد، پس از شرح حال و گاه اشاره به آثار هر صوفی، تاریخ درگذشت و مدفن او را نیز آورده است (برای نمونه، نک. همان: ۷۱، ۹۴، ۱۴۷).

به زعم محققان، هدف اصلی بیشتر تذکره‌های صوفیان در شبه‌قاره، پاسداری از میراث تصوف و انتقال آن به نسل‌های بعدی بوده است (نک. شریفی، ۱۳۹۵: ۴/۴۰۴). مناقب الاصفیاء نیز تذکره‌ای در شرح احوال مشایخ کبروی فردوسی است که مؤلف آن کوشیده است افزون بر شرح حال تفصیلی مشایخ، مطالب قابل توجهی نیز درباره میراث طریقه کبرویه فردوسیه و تعالیم آنان به دست دهد. برای نمونه، شاه شعیب ذیل شرح حال بدرالدین سمرقندی، بنیان‌گذار طریقه فردوسیه در شبه‌قاره، که از سیف‌الدین باخرزی خرقه خلافت گرفته و بعد از وفات شیخ راهی هند گشته (نک. محدث دهلوی، ۱۳۸۳: ۲۲۹؛ مجددی، ۱۳۸۷: ۲/۸۲۹)، چنین آورده است:

و روش خواجه بدرالدین سمرقندی از روش مشایخ هند، ممتاز بود. مشایخ هند اکثر ارباب معامله بودند و بعضی، اصحاب ریاضت و مجاهدات بودند و خواجه بدرالدین

۱. اصل (اینجا و مورد بعد): بگذاردی.

سمرقندی طریق شطّار محبّان حق داشت و بیان این هر سه طریق در ذکر خواجه نجم‌الدین کبری پیش رفته است. مبنای طریق شطّار بر موت ارادی است. سالکان این راه مخاطب به قول «مُوتُوا قَبْلَ أَنْ تَمُوتُوا» اند. سائران إلى الله و طائران بالله‌اند. اوّل قدم بر جان نهند، خانمان در نظر نیارند، جان در بازند و شیرمردی باید که در این راه قدم نهد و خود را به عدم دردهد. طالبان مراد درجات و کرامات دیگراند، طالبان کریم و اهل برخاست و نامراد دیگراند... سالکان این راه، مجذوبان حق باشند (نک. فردوسی، ۱۳۱۳ق/۱۸۹۵م: ۱۲۳).

#### ۵-۶. اهمیت کتاب

مناقب الاصفیاء از چند جنبه، در شمار ارزنده‌ترین متون صوفیانه فارسی در شبه‌قاره است: ۱. آگاهی‌های ارزشمندی که شاه شعیب از دو شیخ معاصر خود، یعنی شرف‌الدین منیری و مظفّر شمس بلخی به دست داده، مهم‌ترین وجه اهمیت این تذکره است. گرچه شاه شعیب در تذکره خود از دیدار با شرف‌الدین منیری و مظفّر بلخی سخنی نگفته است، چراکه وی بیشتر زندگی خود را در جنگل‌ها و کوه‌ها و در خارج از ولایت بهار به سر برده، و شخصاً شاهد وقایع زندگانی شیخ منیری نبوده و آنچه درباره شرف‌الدین از دیگران شنیده، در مناقب الاصفیاء آورده است (نک. مطیع‌الامام، ۱۳۷۲ش/۱۹۹۳م: ۱۵). با این حال چون او از معاصران شیخ منیری بوده و نخست دست ارادت به شرف‌الدین داده (نک. حسنی، ۱۴۰۸ق/۱۹۸۸م: ۶۲/۳) و نیز چنان‌که شیخ شعیب در دیباچه مناقب الاصفیاء آورده است که برخی از مطالب این تذکره را «در کتب معتبره دیده و یافته و بعضی به سماع از ثقات به صحّت پیوسته» (نک. فردوسی، ۱۳۱۳ق/۱۸۹۵م: ۷)، بنابراین شرح احوال شیخ منیری و مظفّر شمس مبنی بر آگاهی‌های شخصی بی‌واسطه شاه شعیب، یا گاه از رهگذر منابعی مانند برهان الاتقیاء فی مناقب الاولیاء<sup>۱</sup> بوده و یا به‌واسطه برخی از معاصرین شیخ شعیب،

---

۱. شاه شعیب شش بار مطالبی را از برهان الاتقیاء که به گفته او «در مناقب پیرانی که متأخر از پیران تذکره الاولیاء‌اند، تألیف شده» (فردوسی، ۱۳۱۳ق/۱۸۹۵م: ۱۰۱-۱۰۲)، در مناقب الاصفیاء آورده است (نک. همان: ۱۰۱، ۱۱۱ (دو بار)، ۱۱۷، ۱۳۹، ۱۴۰). به گفته محققان، از برهان الاتقیاء و نویسنده آن نشانی در دست نیست (نک. منعمی، ۱۳۹۰ش/۲۰۱۱م)؛ گرچه با توجه به این‌که شیخ شعیب دو بار ذیل شرح احوال شرف‌الدین منیری (د. ۷۸۲ق) مطالبی از این کتاب را درباره او آورده، پس این اثر احتمالاً باید پس از ۷۸۲ق تألیف شده باشد.

مانند زین بدر عربی<sup>۱</sup> (م: پس از ۷۸۲ ق.)، که ثقه بودن آن‌ها در نظر وی مسلم بوده است. پس باید مناقب الاصفیاء را یگانه مأخذ معتبری دانست که به وسیله آن می‌توان از شرح احوال و نظرگاه‌های صوفیانه این دو شیخ کبروی فردوسی و شیوه سیر و سلوک آن‌ها و رفتارشان با بزرگان و مریدان پی برد.

۲. اطلاع از نام و نشان برخی از مریدان و معاصران و نیز برخی از اهل سیاست که در زمان شرف‌الدین منیری می‌زیسته‌اند و در دیگر منابع به ندرت می‌توان از نام آن‌ها آگاهی یافت. برای نمونه، شاه شعیب از دو دوست شیخ منیری یعنی احمد بهاری و شیخ عزّ کاکوی/ کاکویی نام برده است که به فرمان فیروزشاه تغلق<sup>۲</sup> (حک. ۷۵۲-۷۹۰ ق) اعدام شده‌اند.<sup>۳</sup> شیخ شعیب همچنین از مولانا نظام‌الدین مدنی، خلیفه شیخ نظام‌الدین اولیاء و از معتقدان شیخ منیری در بهار یاد می‌کند، چنان‌که از سه مرید شرف‌الدین منیری با نام‌های شیخ بهرام، ملک‌زاده فضل‌الله و مولانا نظام‌الدین درون حصار نام برده است. صاحب مناقب الاصفیاء از مشایخ معاصر شیخ منیری نیز به میران جلال دیوانه، شیخ محمد تالا و شیخ منهج‌الدین حاجی اشاره کرده، و افزون بر این، از مجدالملک که در دوران سلطان محمد تغلق<sup>۴</sup>، مُقَطَّع ایالت بهار بوده، یاد کرده است.

۳. آگاهی از شرح احوال برخی از مریدان شیخ منیری نیز از جمله اهمیت‌های این تذکره است. برای نمونه، می‌توان به روایتی از توبه یکی از مریدان بنام شرف‌الدین با نام زین بدر عربی<sup>۵</sup> (د. پس از ۷۸۲ ق) اشاره کرد که شاه شعیب از خود وی شنیده (نک. فردوسی،

---

۱. به زعم نگارندگان، شیخ شعیب برخی از مطالب مربوط به شرح احوال شرف‌الدین منیری و مظفر شمس بلخی را از زین بدر عربی شنیده و در مناقب الاصفیاء آورده، چنان‌که شاه شعیب روایتی از توبه زین بدر را از او شنیده و در تذکره خود ذکر کرده است (نک. فردوسی، ۱۳۱۳/ق/۱۸۹۵: ۱۴۱).

۲. برای آگاهی بیشتر درباره او، نک. برنی، ۱۸۶۲: ۵۲۹-۵۳۶؛ فرشته، ۱۸۶۴: ۱۳۲/۱-۱۴۴؛ سیدحسین‌زاده، ۱۳۹۵: ۲۷۳/۴-۲۷۴.

۳. برای آگاهی بیشتر، نک. رضوی، ۱۳۸۰: ۲۸۰/۱-۲۸۱.

۴. برای آگاهی بیشتر درباره او، نک. برنی، ۱۸۶۲: ۴۵۶-۴۶۸؛ فرشته، ۱۸۶۴: ۱۴۴/۱-۱۵۱؛ سیدحسین‌زاده، ۱۳۹۵: ۲۷۳/۴-۲۷۴.

۵. برای آگاهی بیشتر درباره او، نک. ساکت و خاتمی، ۱۴۰۰: سی‌وهشت - چهل‌وچهار.

۱۳۱۳ق/۱۸۹۵م: ۱۴۱) و این درواقع تنها اطلاعی است که از زین بدر داریم.

۴. شناخت منابع مورد مطالعه شیخ شعیب که غالباً از آن‌ها به نام یاد کرده، یکی دیگر از وجوه اهمیت مناقب الاصفیاء است. به دیگر سخن، شاه شعیب در مناقب الاصفیاء از منابعی بهره جسته است که شناخت آن‌ها از یک سو آبخورهای فکری او را بر ما آشکار می‌سازد و از سوی دیگر، آثار عرفانی مورد توجه بزرگان فردوسی در سده هشتم و نهم هجری در شهر بهار و در خانقاه شیخ شعیب به‌عنوان شیخ کبروی فردوسی را معرفی می‌کند.

۵. مخاطب‌شناسی آثار شرف‌الدین منیری در بین مشایخ شبه‌قاره نیز از جمله ویژگی‌های برجسته مناقب الاصفیاء است، زیرا شاه شعیب به مطالعه مکتوبات شیخ منیری از سوی شیخ نصیرالدین محمود چراغ دهلی (د. ۷۵۷ق)، از مشایخ چشتیه، و نیز سید جلال بخاری (د. ۷۸۵ق)، از پیران سهروردیه، اشاره کرده است (نک. فردوسی، ۱۳۱۳ق/۱۸۹۵م: ۱۴۰). به گمان نگارندگان، احتمالاً مراد شیخ شعیب از مکتوبات، مهم‌ترین اثر شرف‌الدین منیری یعنی مکتوبات صدی<sup>۱</sup> (تألیف: ۷۴۷ق) بوده است.

۶. ثبت دقیق زمان درگذشت و مدفن برخی از مشایخ کبروی فردوسی و وابستگان آن‌ها نیز از جمله امتیازات این اثر است. برای نمونه، شاه شعیب، روز و ماه و نیز محل درگذشت شیخ معزالدین<sup>۲</sup>، برادر مظفر شمس بلخی، و حتی محل دقیق دفن او را بدین‌گونه گزارش کرده است:

سماع است: حادثه موت بندگی شیخ معزالدین، برادر او هم در مکه بود... نهم ماه شوال بود که خدمت شیخ معزالدین از دار فنا به دار بقا رحلت فرمود. در مقام بی‌بی خدیجه و خواجه فضیل عیاض، قریب قبر ایشان دفن کردند (همو، ۱۳۹۰ش/۲۰۱۱م: ۱۶۹پ).

چنان‌که درباره مدفن مظفر شمس بلخی نیز آورده است:

چون او را سفر آخرت قریب رسید... مشغول به خدا گشت. اندر آن مشغولی از دار فنا به دار بقا رحلت فرمود، هم در عدن دفن کردند (همان: ۱۷۰پ-۱۷۱ر).

---

۱. یکی از نگارندگان (خاتمی)، تصحیح مکتوبات صدی را بر اساس هفت نسخه کهن و چهار چاپ سنگی به پایان رسانده است و به‌زودی منتشر خواهد شد.

۲. برای آگاهی بیشتر درباره او، نک. جان آسوده...، ۱۴۰۰: ۹۰-۹۱ (تعلیقات وفات‌نامه).

۷. در این اثر اطلاعات ارزشمندی درباره روابط و مناسبات مشایخ کبرویه فردوسی و نیز سلسله‌های چشتیه و سهروردیه در شبه‌قاره با اهل سیاست آمده است. برای نمونه، شرف‌الدین منیری (۴۶۶۱-۷۸۲ق) در دوران پادشاهی سه سلسله از سلاطین دهلی (حک. ۶۰۲-۹۲۶ق)، یعنی سلاطین مملوک (۶۰۲-۶۸۹ق)، سلاطین خلجی (۶۸۹-۷۲۰ق) و تغلقیان (۷۲۰-۸۱۷ق) می‌زیسته است و همچنان که محققان گفته‌اند با تشکیل حکومت سلاطین دهلی «رابطه‌ای دوسویه میان اهل تصوف و حکومت دهلی شکل گرفت» (عالمی و دیگران، ۱۳۹۴: ۱۶).

شرف‌الدین با سلاطین خلجی و تغلقیان روابط ویژه‌ای نداشته، چنان‌که در منابع نیز گزارشی از تقابل او با پادشاهان این دو سلسله نیامده است. به گزارش مناقب الاصفیاء، سلطان محمد بن تغلق (حک. ۷۲۵-۷۵۲ق)، حاکم دهلی، در سال ۷۳۱ق به زین‌الدین مجدالملک، مُقطع بهار، دستور داده است که یک خانقاه در شهر بهار برای شیخ منیری بسازد و روستای راجگیر وظیفه فقرای خانقاه گردد. افزون بر این، او هدایایی نیز برای شیخ فرستاده بود (نک. فردوسی، ۱۳۱۳ق/۱۸۹۵م: ۱۳۴). شرف‌الدین با اصرار بسیار مجدالملک و به اکراه پیشکش را پذیرفته بود، اما پس از فوت سلطان محمد (۷۵۲ق)، در سال ۷۵۳ق به دهلی رفته و روستای راجگیر را به جانشین او، فیروزشاه (حک. ۷۵۲-۷۹۰ق) بازگردانده بود (نک. همان: ۱۳۵).

همچنین از رهگذر مناقب الاصفیاء می‌توان دریافت که قتل دو دوست صوفی مشرب شیخ منیری، یعنی شیخ عزّ کاکوی/ کاکویی و شیخ احمد بهاری، باعث مخالفت شرف‌الدین با این اعدام‌ها و فاصله گرفتن او از فیروزشاه شده است (نک. فردوسی، ۱۳۱۳ق/۱۸۹۵م: ۱۴۱).

سلطان محمد بن تغلق گرچه، تحت تأثیر علمای قشری و افکار ابن تیمیه (د. ۷۲۸ق)، به صوفیان توجّهی نمی‌کرد (نک. شریفی، ۱۳۹۵: ۴/۴۰۵)، تحت تأثیر آرای ابن فقیه حنبلی، سیاست و دین را از یکدیگر جدا نمی‌دانست و معتقد بود که صوفیان بنا بر تکلیف شرعی، باید مناصب دولتی بپذیرند، اما مشایخ چشتیه همچنان از پذیرش مناصب حکومتی

خودداری می کردند (نک. رضوی، ۱۳۸۰: ۲۲۳/۱؛ زرّین کوب، ۱۳۸۹: ۱۷۴). شاه شعیب نیز به این موضوع بدین گونه اشاره کرده است:

و این سلطان محمد بوالعجب پادشاهی بود... اکثر اهل طریقت زمانه را از کسوت ایشان بازداشته بود، تکلیف عهده‌ای از عهده‌های دنیاداری کرده بود (فردوسی، ۱۳۱۳ق/۱۸۹۵م: ۱۳۴-۱۳۵).

شاه شعیب سپس به این که سلطان محمد «سید جلال‌الدین بخاری را عهده‌لنگر فقرا داده بود» (همان: ۱۳۵)، اشاره کرده است، چنان که صاحب اخبار الاخیار (د. ۱۰۵۲ق) نیز از روابط جلال‌الدین بخاری (د. ۷۸۵ق)، از مشایخ سهروردیه، با محمد بن تغلق یاد کرده است و از این موضوع که این پادشاه چند روستا را برای تأمین مخارج خانقاه به او اختصاص داده بود، سخن گفته است (نک. محدث دهلوی، ۱۳۸۳: ۲۸۶).

همچنین در مناقب الاصفیاء به روابط نصیرالدین محمود چراغ دهلی (د. ۷۵۷ق)، از مشایخ چشتیه، با سلطان محمد نیز اشاره شده است:

تا آنکه شیخ نصیرالدین محمود را تکلیف بر عهده ریاست کرده و گفت: «اینچنین کسی اگر رئیس باشد، بر کسی ظلم نشود». چون شیخ محمود قبول نکرد، انواع جفا بر او کرد (فردوسی، ۱۳۱۳ق/۱۸۹۵م: ۱۳۵).

به گزارش گلزار ابرار (تألیف: ۱۰۲۲ق) گرچه چراغ دهلی در آغاز روابط دوستانه‌ای با محمد بن تغلق نداشته (نک. غوثی شطاری ماندوی، ۱۳۹۱: ۱۳۶)، ظاهراً در پی فشارهای سلطان محمد، منصب جامه‌داری خاص سلطان را پذیرفته است (نک. محدث دهلوی، ۱۳۸۳: ۱۵۶).

۸. از رهگذر مناقب الاصفیاء گاه می توان به مخاطبان آثار یک عارف از مکتب خراسان در شبه‌قاره سده‌های هشتم تا نهم هجری پی برد. برای نمونه شاه شعیب درباره نجم‌الدین کبری آورده است:

تصنیفات او به عربی و فارسی و نظم و نثر بسیار است. از جمله تصنیفات او تبصره و رساله در بیان طریق سلوک<sup>۱</sup> در این زمین هند مشهور است (فردوسی، ۱۳۱۳ق/۱۸۹۵م: ۹۵).

---

۱. محسنی (۱۳۴۶: ۱۶۰) اثری با عنوان رساله در سلوک را به نجم کبری نسبت داده است که احتمالاً همین کتاب باشد.

به علاوه می توان دریافت که کدام یک از آثار یک عارف از مکتب خراسان در شبه قاره رواج نداشته، چنان که شیخ شعیب درباره سیف الدین باخرزی آورده است:

بیان علم تصوف به نظم داشت. وقتی مریدان التماس تصنیف کتابی از او کردند، گفت: یکان بیت من به منزله کتابی است... اما نظم او در این زمین هند نادر رسیده است (همان: ۱۱۴-۱۱۵).

۹. از طریق مناقب الاصفیاء می توان به اطلاعاتی درباره برخی از مشایخ کبروی فردوسی دست یافت که در دیگر منابع به آن‌ها اشاره‌ای نشده است. برای نمونه، شاه شعیب ذیل شرح حال نجیب الدین فردوسی آورده است که «نظم‌های بامعنی دارد» (همان: ۱۲۶). گرچه در مناقب الاصفیاء از خواجه نجیب اشعاری نیامده و نگارندگان نیز اشعاری از او را در منابع نیافتند، همین آگاهی از شاعری نجیب الدین نیز درخور توجه است.

#### ۶. نتیجه‌گیری

مناقب الاصفیاء تنها اثر بازمانده از شاه شعیب فردوسی را باید تذکره‌ای مهم در شرح احوال مشایخ کبروی فردوسی دانست که مؤلف آن کوشیده است افزون بر شرح حال تفصیلی مشایخ، مطالب قابل توجهی نیز درباره میراث طریقه کبرویه فردوسیه و نظرگاه‌های صوفیانه و شیوه سیر و سلوک پیران این طریقه به دست دهد، همچنان که اندیشه‌های شرف الدین منیری، به عنوان معروف‌ترین شیخ طریقه کبرویه فردوسیه و نیز مرام‌نامه این طریقه و تعلیمات مشایخ آن، را در آینه این اثر می توان باز یافت. نگارندگان در مقاله حاضر کوشیدند ضمن معرفی کامل مناقب الاصفیاء، اهمیت آن را در شناخت بیشتر و بهتر طریقه کبرویه فردوسیه و شرف الدین منیری نشان دهند.

#### منابع

- برنی، ضیاء الدین (۱۸۶۲م). تاریخ فیروزشاهی. به تصحیح مولوی سید احمدخان صاحب و اهتمام کپتان ولیم ناسولیس و مولوی کبیرالدین احمد. کلکته: اسپاتک سوسیتی بنگال.



- بهنامی، احمد/ گروه دانشنامه (۱۳۹۵). «شاه شعیب فردوسی» در: دانشنامه زبان و ادب فارسی در شبه‌قاره، ج ۴، زیر نظر محمدرضا نصیری. تهران: فرهنگستان زبان و ادب فارسی: ۱۸۱-۱۸۲.
- جان آسوده: سه رساله از میراث تصوف شبه‌قاره (راحت القلوب، وفات‌نامه شیخ شرف‌الدین منیری، وصیت‌نامه خواجه نجیب‌الدین فردوسی) (۱۴۰۰). تصحیح و تحقیق سلمان ساکت و محمّدصادق خاتمی. قم: نشر ادبیات.
- الحسنی، عبدالحی بن فخرالدین (۱۴۰۸ق/۱۹۸۸م). نزهة الخواطر وبهجة المسامع والنواظر، الجزء الثالث. طبع تحت ادارة الدكتور ام-ایه. احمد، مدیر دائرة المعارف العثمانية و سکر تیرها. حیدرآباد الدکن: مجلس دائرة المعارف العثمانية.
- ربیعان، محمدرضا (۱۳۸۰). «تذکره نویسی فارسی در شبه‌قاره» در: دانشنامه ادب فارسی: ادب فارسی در شبه‌قاره (هند، پاکستان، بنگلادش)، ج ۴ (بخش یکم). به سرپرستی حسن انوشه. تهران: سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی: ۷۴۳-۷۶۰.
- رضوی برق، سید محمّد طلحه (۱۳۹۳ش/۲۰۱۵م). سجاده‌نشینان بهار (مشایخ سخن‌پرداز)، دهلی‌نو: مرکز تحقیقات فارسی راینی فرهنگی سفارت جمهوری اسلامی ایران.
- رضوی، سید اطهر عباس (۱۳۸۰). تاریخ تصوف در هند، ج ۱. ترجمه منصور معتمدی. تهران: مرکز نشر دانشگاهی.
- زرّین‌کوب، عبدالحسین (۱۳۸۹). ارزش میراث صوفیه. تهران: مؤسسه انتشارات امیرکبیر.
- ساکت، سلمان و محمّدصادق خاتمی (۱۴۰۰). مقدمه ← جان آسوده ...
- سیدحسین‌زاده، هدی (۱۳۹۵). «تاریخ ب. از ورود اسلام تا آغاز بابرین» در: دانشنامه زبان و ادب فارسی در شبه‌قاره، ج ۴. زیر نظر محمدرضا نصیری. تهران: فرهنگستان زبان و ادب فارسی: ۲۶۷-۲۹۵.
- شریفی، آزاده (۱۳۹۵). «ادبیات صوفیه» در: دانشنامه زبان و ادب فارسی در شبه‌قاره، ج ۴. زیر نظر محمدرضا نصیری. تهران: فرهنگستان زبان و ادب فارسی: ۴۰۰-۴۱۷.
- شهسواری، مجتبی (۱۳۸۶). «مناقب الاصفیاء: تذکره‌ای ارجمند پیرامون مشایخ سهروردیه هند». اطلاعات حکمت و معرفت، س ۲، ش ۱۰: ۲۲-۲۷.

- صاحب فردوسی، شاه امین احمد (۱۳۰۱ ق/ ۱۸۸۴ م). گل فردوس در احوال خواجگان فردوس [چاپ سنگی]. حسب فرمایش شاه والی احمد صاحب. لکهنو: مطبع نامی منشی نولکشور.
- صفا، ذبیح‌الله (۱۳۶۹). تاریخ ادبیات در ایران، جلد سوم (بخش اول و دوم). تهران: فردوس، با همکاری نشر نما.
- \_\_\_\_\_ (۱۳۷۸). «برهان بلخی، مظفر» در: دانشنامه جهان اسلام، ج ۳. زیر نظر غلامعلی حدّاد عادل. تهران: بنیاد دایرةالمعارف اسلامی: ۲۹۱.
- عاطف محمود عبدالغنی ابوالعزم، احمد (۱۳۸۵). «بررسی و تصحیح انتقادی محتوای "مناقب الاصفیاء" شاه شعیب فردوسی». پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تربیت مدرس، به راهنمایی دکتر ناصر نیکویخت.
- عالمی، خدیجه، مظهر ادوای و حسین نظری (۱۳۹۴). «نقش تصوف در ترویج رویکردهای اسلامی در حکومت سلاطین دهلی (قرون ۷ تا ۱۰ هجری)». نامه فرهنگستان (ویژه‌نامه شبه‌قاره)، ش ۴: ۱۵-۳۵.
- غوثی شطاری ماندوی، محمدحسن بن موسی (۱۳۹۱). گلزار ابرار فی سیر الاخیار (در شرح احوال عرفا و مشایخ هند). به تصحیح یوسف بیگ باباپور. تهران: کتابخانه، موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی.
- فردوسی، شاه شعیب (۱۳۱۳ ق/ ۱۸۹۵ م). مناقب الاصفیاء [چاپ سنگی]. به اهتمام فقیر محمد بشیر. کلکته: نور الآفاق.
- \_\_\_\_\_ (۱۳۹۰ ش/ ۲۰۱۱ م). مناقب الاصفیاء: در احوالات حضرت مخدوم جهان شیخ شرف‌الدین احمد یحیی منیری (۷۸۲ ق). تصویر عکسی کتاب خطی متعلق به کتابخانه بلخیه فتوحیه پتنا (کتابت ۱۱۳۳ ق). به کوشش سید شاه شمیم‌الدین احمد منعمی. دهلی‌نو: مرکز تحقیقات فارسی رایزنی فرهنگی سفارت جمهوری اسلامی ایران.
- فرشته، محمد قاسم بن غلامعلی (۱۸۶۴ م). تاریخ فرشته [چاپ سنگی]، ج ۱. لکهنو: نولکشور.
- گروه دانشنامه (۱۳۹۲). «حسین بلخی» در: دانشنامه زبان و ادب فارسی در شبه‌قاره، ج ۳. زیر نظر گروه شبه‌قاره، تهران: فرهنگستان زبان و ادب فارسی: ۹۲.
- لعلی بدخشی، میرزا لعل بیگ (۱۳۷۶). ثمرات‌القدس من شجرات‌الانس، تصحیح سید کمال سید جوادی، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.

- مجدّدی، محمّد اقبال (۱۳۸۷). «بدرالدین سمرقندی» در: دانشنامه زبان و ادب فارسی در شبه‌قاره، ج ۲. زیر نظر فرهنگستان زبان و ادب فارسی. به سرپرستی علی‌محمد مؤذنی. تهران: فرهنگستان زبان و ادب فارسی: ۸۲۹.
- محدّث دهلوی، عبدالحق (۱۳۸۳). اخبار الاخیار فی اسرار الابرار. تصحیح و توضیح علیم اشرف‌خان. تهران: انجمن آثار و مفاخر فرهنگی.
- محسنی، منوچهر (۱۳۴۶). تحقیق در احوال و آثار نجم‌الدین کبری اویسی. تهران: شرکت سهامی چاپ و انتشارات کتب ایران.
- مشار، خانبابا (۱۳۴۱). مؤلّفین کتب چاپی فارسی و عربی از آغاز چاپ تاکنون، ج ۳. تهران: بی‌نا.
- مطیع‌الامام، سیّد (۱۳۷۲/ش/۱۹۹۳م). شیخ شرف‌الدین احمد بن یحیی منیری و سهم او در نشر متصوفانه فارسی. اسلام‌آباد: مرکز تحقیقات فارسی ایران و پاکستان.
- منعمی، سیّد شاه شمیم‌الدین احمد. مقدمه - فردوسی (۱۳۹۰/ش/۲۰۱۱م).
- نوشاهی، عارف (۱۳۹۱). کتاب‌شناسی آثار فارسی چاپ‌شده در شبه‌قاره (هند، پاکستان، بنگلادش) از ۱۱۶۰-۱۳۸۶ ه‍.ش/۱۱۹۵-۱۴۲۸ ه‍.ق/۱۷۸۱-۲۰۰۷ م، ج ۱. تهران: میراث مکتوب.

ISSN 1561-9400

# Mirror of Heritage

(Ayene-ye Miras)



Semiannual Journal of Literary and Textological Studies

New Series, Vol. 21, Issue No. 1 (72), 2023

